

نفوذ فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، چالشها و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری (۱۳۶۸ - ۱۳۹۷)

علیرضا زرگر *

همت‌الله شمولی ***

حدیث اقبال **

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۰۸

چکیده

در این پژوهش به بررسی موضوع نفوذ فرهنگی در آرای مقام معظم رهبری و راهکارهای ایشان پرداخته شده است. این تحقیق از انواع تحقیقات کیفی است. روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی و مراجعه به خبرگان استفاده شده است. پس از طرح چارچوب نظری، جمع‌آوری و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در موضوع نفوذ فرهنگی، مؤلفه‌های مربوط به اهداف نفوذ، شیوه‌های نفوذ، ابزارهای نفوذ و نتایج نفوذ مشخص شد. سپس متن بیانات و «مؤلفه‌های» مربوط به راهکارهای ایشان، که پس از تحلیل محتوا و شناسه‌گذاری مشخص شده بود در اختیار خبرگان قرار گرفت تا موافقت یا عدم موافقت خود را با آن مؤلفه‌ها و همچنین ترتیب اولویت آن اعلام کنند. در زمینه راهکارها نیز نتایج شامل تعمیق مبانی فکری و بازدارندگی اعتقادی، حضور فعال در فضای مجازی، تقویت فرهنگ ملی و تدوین نقشه پیشرفت ایرانی - اسلامی، احساس مسئولیت برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، شناخت لوازم و موانع فعالیتهای فرهنگی در کشور و تقویت بصیرت خواص است.

کلیدواژه‌ها: نفوذ فرهنگی، چالشها، راهکارها، مقابله، رهبری

* نویسنده مسئول: استادیار علوم سیاسی، دانشکده عقیدتی سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

a.zargar.1976@gmail.com

** استادیار علوم سیاسی، دانشکده عقیدتی سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران hadis.eghbal@yahoo.com

hshamouli@gmail.com

*** استادیار، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران

مقدمه

نفوذ، پدیده تازه و مفهومی نوساخته نیست و عمری طولانی در تاریخ بشر دارد. بخش مهمی از تاریخ بشری تحت تأثیر نفوذ استعمارگران بوده است؛ اما در حال حاضر بیش از یک قرن است که استعمارگران روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند. این کشورها معمولاً اجرای مقاصد خود را با عناوین تبلیغ دینی، رواج فناوری، ترویج زبان، انجمنهای خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی و به عبارت دیگر به نام سیاستهای فرهنگی و فرهنگ‌پذیری انجام می‌دهند. هر چند نمی‌توان این عناوین را از نظر نועدوستی و انسانیت مورد تردید قرار داد، تاریخچه این روابط و خدمات نشان داده است که این برنامه‌ریزیهای دقیق در جهت رشد و بالندگی فرهنگ این کشورها نبوده بلکه زمینه اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را فراهم ساخته است (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

حیات بشری همواره با فرهنگ همراه بوده است. ملتی که فرهنگ مخصوص به خود را نداشته باشد، مرده به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، فرهنگ بالنده برای تکامل خود باید توانایی تبادل با دیگر فرهنگها و جذب عناصر مثبت آن را داشته باشد؛ بنابراین، تمام فرهنگها باید با یکدیگر در تعامل باشند تا بتوانند در مجموع، بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند. در عصر حاضر، که نظام سرمایه‌داری به سرپرستی امریکا با تک‌قطبی شدن جهان و فروپاشی رژیم شوروی سابق، یکه‌تاز عرصه جهانی شده است به شکلهای مختلف می‌کوشد نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را به تمام کشورهای جهان تحمیل کند و فرهنگ واحدی متناسب با منافع درازمدت خود بر جهان حاکم سازد.

ازسوی دیگر، ملتها نیز در برابر این زیاده‌خواهی امریکا برای حفظ و پاسداری از فرهنگ ملی و بومی خود مقاومت می‌کنند. در این میان فرهنگ اسلامی توانسته است در صد سال اخیر در برابر این هجوم، مقاومت و اصالت خود را حفظ کند. بدیهی است طراحان "نظم نوین جهانی" که با هزاران ترفند توانسته‌اند ابرقدرت نظامی نظیر شوروی سابق را از سر راه خود بردارند و سبب فروپاشی کمونیسم در سطح جهانی شوند، مایل نیستند با قدرت جدیدی در برابر منافع خود روبه‌رو شوند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سبب شده است که سلطه‌گران بیشتر به این دلیل خوفناک باشند که قدرت جدید مقابل منافع نامشروع آنان، یک گروه سیاسی - مذهبی به نام جهان اسلام

باشد؛ قدرتی که از نظر فرهنگی با داشتن ارزشهای قوی نظیر خداپرستی، ظلم‌ستیزی، نعدوستی، برادری، مساوات و عدل می‌تواند در برابر فرهنگ غربی قد علم کند؛ لذا چون می‌دانند که از مقابله مستقیم با ایدئولوژی اسلامی طرفی نخواهند بست، می‌کوشند با ترفندی قدیمی به‌طور غیر مستقیم در ارکان جوامع اسلامی از جمله جامعه ما رخنه کنند و آن ترفند چیزی نیست جز "تهاجم فرهنگی". مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم تهاجم فرهنگی می‌فرماید: «تهاجم فرهنگی به این معنی است برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

با وجود بحثهای گوناگون درباره نفوذ فرهنگی، زمینه‌ها و مصداقهای آن، باید گفت که هنوز آرای مقام معظم رهبری در این باره، مهجور و متروک مانده است و نسل جوان، شناخت دقیق و روشنی از این واقعیت اجتماعی ندارند. از این رو در این مقاله به تبیین معنا و مفهوم حقیقی نفوذ فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازیم تا پس از ایجاد معرفت جمعی نسبت به آن، حساسیت جمعی و عزم جمعی برای رویارویی با این طرح تهدیدکننده شکل گیرد. به‌رغم تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری درباره مقوله نفوذ فرهنگی به نظر می‌رسد فهم درستی از این مقوله در اذهان عمومی وجود ندارد و ازسوی دیگر با ضعف آگاهی نسبت به راهکارها، نفوذ فرهنگی ادامه یافته است و هر روز آثار آن را می‌توان در عرصه‌های اجتماعی با نمود فرهنگی مشاهده کرد. بنابراین این تحقیق در نظر دارد ضمن تحلیلی از بیانات مقام معظم رهبری، مصداقها، اهداف و روشهای نفوذ فرهنگی را بازگو، و درنهایت شاخصهایی برای مقابله با نفوذ فرهنگی ارائه کند. درنهایت نیز بحث و نتیجه‌گیری از مباحث ارائه خواهد شد.

تعریف نفوذ فرهنگی

واژه نفوذ «Influence»^۱ در لغت به معنی کنش یا قدرتی است که نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند و اصطلاحاً رفتاری است که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظر دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

در فرهنگ سیاسی، "نفوذ"، شکلی از قدرت است؛ اما در اصطلاح، "قدرت" به سبب شیوه‌های اجرایی چون پرهیز از کنترل، اجبار، زور و مداخله متمایز است. نفوذ را می‌توان رابطه

میان بازیگرانی دانست که به‌موجب آن، یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به‌طریقی که خواست خود آنها نیست، عمل کنند. پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید از جمله وسایلی است که فرد به کمک آنها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۳۱۴).

نفوذ فرهنگی را می‌توان چنین تعریف کرد: «تلاش جامعه‌ای برای تحمیل فرهنگ خود بر جامعه دیگری که فرهنگی جداگانه دارد یا دست‌کم، ایجاد نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه. امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملتهای جهان، نفوذ و سلطه و به‌دست‌آوردن مستعمرات از راه لشکرکشیهای نظامی، به‌آسانی امکانپذیر نیست و در صورت اجرا هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند؛ به همین سبب، بیش از یک قرن است که استعمارگران روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند. این کشورها معمولاً اجرای مقاصد خود را با عناوین تبلیغ دینی، رواج فناوری، ترویج زبان، انجمنهای خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی و به‌عبارت دیگر به نام سیاستهای فرهنگی و فرهنگ‌پذیری انجام می‌دهند. هرچند نمی‌توان این عناوین را از نظر نوعدوستی و انسانیت مورد تردید قرار داد، تاریخچه این روابط و خدمات نشان داده است که این برنامه‌ریزیهای دقیق در جهت رشد و بالندگی فرهنگ این کشورها نبوده بلکه زمینه اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را فراهم ساخته است؛ بدین ترتیب، استعمارگران اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در دیگر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آن است. آنان می‌خواهند ارزشهای مورد پسند خود را ارزشهای مترقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملتها سازند و از این طریق، بدون هیچ دغدغه‌ای به آینده منافع خود در این کشورها مطمئن باشند. این جمع‌بندی، بویژه در دهه‌های اخیر، مبنای فعالیتهای سازمان‌یافته گسترده‌ای قرار گرفته است که غرب آنها را ترویج معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند؛ اما در فرهنگ ملتها از این اقدامات با تعابیر مختلفی یاد می‌شود که مفهوم مشترک آنها در تعبیر هجوم فرهنگی نهفته است. این عمل (جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی) به شکلی هوشیارانه که بتواند ملت و جامعه‌ای را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع خواست بیگانگان کند، عمدتاً «تهاجم فرهنگی» به‌شمار می‌رود. دانشمندان غربی نیز به این واقعیت اذعان می‌کنند. اتوکلاین برگ^۱، یکی از روانشناسان اجتماعی غربی در این زمینه می‌نویسد: «حتی در

1. Klain berg

جریان اجرای برنامه‌های بلندنظرانه و آزادمنشانه، چون کمک به همکاری فنی نیز نگرش استعماری و دیگر گونه‌های استثمار متجلی است؛ مثلاً کشوری که کمکهای فنی به دیگری ارائه می‌کند این انتظار را دارد که کشور دریافت‌دارنده کمک، معیارها و الگوهای وی را برگزیند» (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۱۵).

در کتابهای دایرةالمعارفی غربی نیز به این مطلب اشاره شده است. میشل پانوف^۱ در کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی در توضیح اصطلاح فرهنگ‌پذیری به این تسلط و استعمار فرهنگی غرب اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«این اصطلاح را از اواخر قرن گذشته انسان‌شناسان انگلیسی‌زبان به کار بردند و مراد از آن تعیین پدیده‌هایی است که از تماس مستقیم و ادامه‌دار بین دو فرهنگ مختلف نتیجه می‌شود و از تبدیل یا تغییر شکل یک یا دو نوع فرهنگ در اثر ارتباط با یکدیگر، حکایت می‌کند؛ بنابراین، مراد از فرهنگ‌پذیری، جنبه ویژه‌ای از فرایند انتشار آن است. امروزه فرهنگ‌پذیری گاهی در معنای محدودکننده‌تر به تماسهای خاص دو فرهنگ اطلاق می‌شود که نیروی نامساوی دارند؛ در این صورت، جامعه غالب، که هماهنگ‌تر و یا از نظر تکنیک مجهزتر است، معمولاً از نوع جوامع صنعتی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می‌شود» (پانوف، ۱۳۸۶: ۴۵).

این محقق در تعبیری دیگر از این تهاجم در حالتی که به شکلی گسترده‌تر، تمام عناصر فرهنگ مورد هجوم را از بین می‌برد و فرهنگ مهاجم را جایگزین می‌سازد به «قوم‌کشی» یا «قومیت‌کشی» تعبیر می‌کند و می‌نویسد: هنگامی که فرهنگ غالب در انهدام ارزشهای اجتماعی و روحیات سنتی جامعه مغلوب و برای گسستگی و سپس نابودی آن می‌کوشد، تعبیر قوم‌کشی را که بتازگی رایج شده است به کار می‌برند تا القای اجباری فرایند «فرهنگ‌پذیری» را از طریق فرهنگ غالب در فرهنگ دیگر (مغلوب) توصیف کنند. در گذشته جوامع صنعتی، قوم‌کشی را با تظاهر به اینکه هدفشان از همانندسازی، ایجاد «آرامش» یا «تغییر شکل» در «جوامع ابتدایی» یا «عقب‌مانده» است، اجرا کرده‌اند و باز هم اجرا می‌کنند. این عمل معمولاً تحت عنوان اخلاق، رسیدن به کمال مطلوب در پیشرفت و... صورت می‌گیرد (پانوف، ۱۳۸۶: ۴۵).

در تعریف پدیده «تهاجم فرهنگی»، دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، قابل توجه است. از نظر ایشان در «تهاجم فرهنگی» یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن

1. Mishalpanof

به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به‌زور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳).

در زمینه نفوذ فرهنگی نظریات متعددی مطرح شده است. در جدول ذیل، خلاصه این نظریه‌ها بیان می‌شود.

نام	نوع	کلید واژه‌ها	گزاره‌ها
نظریه امپریالیسم فرهنگی و نفوذ	نظریه‌های نفوذ	قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و پراکندن ارزشها و عاداتهای فرهنگی	یکی از واقعیت‌های عصرکنونی امپریالیسم فرهنگی غرب و در صدر آن امپراتوری فرهنگی امریکا است به‌گونه‌ای که شکلها و صورتهای مختلف محصولات فرهنگی غرب در اقصا نقاط جهان و با مرغوبترین کیفیت در دسترس همگان قرار دارد که این خود زمینه را برای نفوذ و نفوذ بلندمدت نفوذگر می‌کند و در واقع از طریق نفوذ فرهنگی و در پی آن، استحاله فرهنگی، نه تنها خواسته‌های اقتصادی بلکه خواسته‌ها و مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم نیز تغییر خواهد کرد (لهستانی زاده، ۱۳۸۸: ۸۱).
نظریه نوسازی جدید و نفوذ	نظریه‌های نفوذ	جهان سوم، ارزشهای فرهنگی و نهادهای اجتماعی	نظریه نوسازی جدید به ارزشهای انسانی، نگرشها، معانی نمادین، قالبهای فرهنگی و به‌طور خلاصه امور غیر محسوس و غیر قابل پیش‌بینی به‌عنوان شروط لازم نوسازی موفقیت‌آمیز توجه بسیار زیادی می‌کند (کریمی، ۱۳۹۵: ۴۶).
نظریه‌های پسا استعماری و نفوذ	نظریه‌های نفوذ	استعمار فرهنگی و دوگانگیها و ناهنجاریها و فرهنگی و اجتماعی	استعمار به شیوه‌های جدید و بدون حضور استعمارگر در خاک کشور دیگر انجام می‌شود و تارهای نامرئی این استعمار به شکلهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اسباب قدرت استعمارگر هستند و دوگانگیها و ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی آنان، هضم شدن در اقتصاد سرمایه‌داری و نداشتن اقتصاد کارآمد و پویا و نیز عرصه سیاسی بی‌ثبات و متلاطم از بارزترین نمودهای این نوع استعمار و نفوذ است (کریمی، ۱۳۹۵: ۵۴).
جنگ شناختی	نظریه نفوذ اجتماعی	نفوذ ذهن تأثیرگذاری، تصمیم‌گیری	مطابق نظریه‌های تکاملی جنگ، بعد از ابعاد زمین، دریا، هوا و سایبر، بُعد جدید جنگ بر ذهن مبتنی است. در بُعد جدید جنگ، صرفاً به حضور فیزیکی در قلمروی سرزمینی حریف نیاز نیست، بلکه با هدف قرار دادن شناخت و کارکردهای مغز می‌توان بر تصمیم و رفتار دشمن تأثیر گذاشت و او را در جنگ شکست داد (نجم، ۱۳۹۴).

نام	نوع	کلید واژه‌ها	گزاره‌ها
نظریه ارتباطات میان فرهنگی و نفوذ	نظریه‌های نفوذ فرهنگی	اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی	ارتباطات میان فرهنگی، چه در ابعاد نظری و چه در ابعاد عملی در بسترهای خاصی مانند جهانگردی، روزنامه‌نگاری آموزشی و تحقیقات در حوزه‌های علم، دین و هنر، بیشتر خود را نشان داده و دارای مجاری یکطرفه و دوطرفه است؛ در این مورد اگر سعی بر تکمیل فرهنگ جامعه مقصد و اشاعه ارزشهای فرهنگی باشد، می‌شود تبادل فرهنگی و اگر قصد قالب‌کردن فرهنگ و رسوم خود به جامعه مقصد و به‌منظور کسب مقاصد بعدی باشد می‌شود تهاجم فرهنگی
نظریه قدرت نرم و نفوذ	نظریه‌های نفوذ فرهنگی	فرهنگ، ارزشهای سیاسی و سیاستهای خارجی	تأثیرگذاری فرهنگ به‌مثابه منبع قدرت نرم به بستر و زمینه‌ای بستگی دارد که این قدرت در آن اعمال می‌شود.
نظریه جنگ نرم	نظریه‌های نفوذ فرهنگی	اقدام نرم‌افزاری اعم از روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، سایبری، دیجیتال، اطلاعاتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی	هدف نهایی در جنگ نرم مانند جنگ سخت، مهار و فروپاشی نظام سیاسی است؛ اما با استفاده از ابزار و روشهای متفاوت. در جنگ نرم تلاش می‌شود با تأثیرگذاری بر باورها و ارزشهای یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور به‌مثابه هویت‌دهنده نظام سیاسی به چالش کشیده شود. بنابراین، جنگ نرم به‌دنبال از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست، و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند (عبوضی و دیگران، ۱۳۹۱).
نظریه‌های متقاعدسازی	نظریه‌های نفوذ فرهنگی	تقلای شناختی، تفکر و اندیشه‌ورزی، پردازش موشکافانه	فعالیت‌های شناخته‌شده رسمی و غیررسمی متعددی که در جامعه رواج دارند خواسته یا ناخواسته از فنون ارتباط متقاعدگرایانه استفاده می‌کنند و همواره هدفشان تأثیرگذاری بر مردم است. اطلاع‌رسانی، خبر، آموزش، مشاوره، تبلیغ، و جنگ روانی در ردیف شناخته‌شده‌ترین انواع این‌گونه ارتباطات به‌شمار می‌رود. هدف چنین کوششی رسیدن به نتایج مستدل و تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات معتبر است (حکیم آرا، ۱۳۸۴).

نفوذ فرهنگی در آرای مقام معظم رهبری

نظریات پیشین هر کدام از زاویه‌ای خاص به تعریف نفوذ فرهنگی پرداخته‌اند. مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم تهاجم فرهنگی می‌فرماید: "تهاجم فرهنگی به این معنی است برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت به بنیادهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند" (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۲۵).

مسئله نفوذ از دید مقام معظم رهبری با عصر استعمار و امتداد این عصر در قالبهای نوین کاملاً مرتبط است. استکبار در چند قرن اخیر همواره خود را در روشهای مختلف و جدیدتر نسبت به موقعیت جهانی و اقتضائات کشورها به‌روزرسانی کرده است. مرحله ابتدایی استعمار، استعمار کهنه بود که در آن سالها مستعمرات بزرگ و ثروتمندی مانند هند و الجزایر مستقیماً توسط حاکمان خارجی (مثلاً انگلیسی) اداره می‌شد و مردمان، ذخایر و منابع آن کشورها در اختیار استعمارگران قرار می‌گرفت. با گذشت زمان و افزایش آگاهیهای ملتهای تحت استعمار، طبیعتاً سلطه‌گران می‌بایست برای حفظ اقتدار و سلطه خود از شیوه جدیدی استفاده می‌کردند که نقش و حضور آنها را به‌رغم افزایش نفوذشان کم‌رنگ‌تر کند. در دوران جدید افرادی از میان خود ملتها را در رأس قدرت می‌گماشتند و بدین طریق با استفاده از فرصت حضور حاکمان دست‌نشانده خود در کشورها، سالهای متمادی چپاول ملتها را به شکل جدیدی ادامه می‌دادند. رژیم پهلوی و نظامیهای کودتاجی، نمونه‌هایی از این دیکتاتوران دست‌نشانده بودند که در بسیاری از کشورهای به‌اصطلاح جهان سومی و از جمله کشورهای اسلامی در منصب حاکمیت قرار گرفتند؛ اما با بیداری ملتها این روش نیز با مشکلاتی برای مستکبران روبه‌رو، و دوران جدیدی در استعمار آغاز شد که از آن می‌توان به استعمار فرانو تعبیر کرد. مبنای اصلی در این شیوه، نفوذ در میان ملتها به گونه‌ای است که با حضور مستقیم طرفداران یا حتی بدون حضور مستقیم آنها و از طریق پول، تبلیغات، اغواگریهای گوناگون و رنگین و تلاش برای موجه‌نشان دادن چهره ابرقدرتها، بخش مؤثری از ملتها را اغوا و تحریک کنند تا آنچه را آنها می‌خواهند، ملتها هم بخواهند و در این صورت است که بدون نیاز به حضور در کشوری، ملتها ناخواسته در راستای تأمین منافع مستکبران اقدام می‌کنند. این تلاشی است که دشمنان همواره با هدف چپاول بهره‌کشی از ملتها انجام می‌دهند. در این زمینه رهبر انقلاب اسلامی تصریح می‌کنند: «موقفیت هر ملتی در پیشرفتهای خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. ۱ [زیرا] اگر استکبار و دستگاه سلطه توانست بر کشوری

تسلط یابد و در آن نفوذ پیدا کند، منافع آن ملت، دیگر نادیده گرفته خواهد شد؛» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۲۴/۸/۱۳۷۹).

از دیدگاه ایشان «نفوذ» دو نوع است: یک نفوذ، موردی است؛ فردی است و یک نفوذ، جریان‌ی است" (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۹/۰۴). ایشان نفوذ جریان‌ی را مهمترین نفوذ می‌دانند. اگر در کشور جریان‌ی ایجاد شود که برخلاف نظام اسلامی حرکت کند و به‌نوعی تأمین‌کننده منافع امریکا باشد، این مهمترین نفوذ است یا نفوذ فرهنگی باشد؛ به‌عبارتی آنها با نفوذ فرهنگی خود سبک زندگی و سبک تفکر و اعتقادات مردم را عوض می‌کنند. به نظر ایشان مهمترین نفوذ است. به نظر می‌رسد که ما این نفوذ را از طریق تسلط دشمن بر فضای مجازی شاهد هستیم. فضای مجازی و غیر فضای مجازی همانند ماهواره‌ها، اعم از سخت‌افزار و نرم‌افزار همه در اختیار دشمن غدار است. براحتی اطلاعات شخصی و کشوری ما در اختیار سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل قرار می‌گیرد و آنها با تجزیه و تحلیل این اطلاعات براحتی راه نفوذ ما را پیدا کرده‌اند و برای تمام اقشار جامعه ما بر طبق سلاقی و طبقات آن برنامه‌ریزی فرهنگی انجام می‌دهند (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۹/۰۴). از همه مهمتر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سر پا نگه دارد جابه‌جا کند؛ خدشه در آنها وارد کند؛ اختلال و رخنه در آنها به‌وجود بیاورد؛ خرجها می‌کنند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است" (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۰۴).

چرایی مراجعه به آرای مقام معظم رهبری

رهبری، بالاترین مقام سیاسی و معنوی در نظام جمهوری اسلامی ایران است و مسئولیتهای متعددی را بر دوش دارد. وی هماهنگ‌کننده قوای مختلف کشور و تعیین‌کننده سیاستهای کلی نظام است. رهبری در جامعه اسلامی در کنار تلاش برای حفظ کیان نظام و تثبیت آن، وظیفه هدایت معنوی مردم و اداره کشور را نیز بر عهده دارد و هدایت‌کننده نهادهای حکومتی در مسیر اجرای قانون اساسی برآمده از انقلاب اسلامی است. از ابتدای انقلاب اسلامی ایران، نظام سیاسی شکل گرفته در آن با چالشهای متعددی در عرصه داخلی و خارجی روبه‌رو بوده است. در برخی از موارد، حتی یکی از آن بحرانها برای ساقط کردن نظام برآمده از انقلاب و محاصره‌شده با انواع بازیگران متخاصم کافی به نظر می‌رسید؛ اما با رهبری بحران و چالشها توسط رهبران ایران، شرایط

در نهایت به تثبیت و پیشروی انقلاب منتج شده است. در این زمینه یکی از مهمترین علل ثبات از دیدگاه تحلیلگران داخلی و خارجی مدیریت بحران توسط رهبران جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. باید در نظر داشت که شاید اداره جامعه در حالت عادی، بویژه برای مدیران و رهبرانی دشوار نباشد که از تجربه لازم برای اداره جامعه برخوردار هستند؛ اما توانمندی مدیر و سکاندار کشتی در شرایطی ظاهر می‌شود که در لحظات بحرانی و سلسله چالشهای پی در پی بتواند ثبات را به صحنه سیاسی باز گرداند. تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که رهبران آن در موارد متعدد در این زمینه موفق بوده‌اند. درباره سبک رهبری ایشان در چالشهای مختلف جمهوری اسلامی ایران تاکنون، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. بسیج‌کنندگی: بسیج منابع انسانی، سرمایه‌ها و منابع مادی، امکانات و تجهیزات، ظرفیتهای موجود و مواردی از این قبیل توسط رهبری انجام می‌گیرد (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸).
۲. تحرک سیستمی: رهبری در ایجاد هماهنگی، تحرک و پویایی سامانه سیاسی و ارکان کشور نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند؛ ارزشها، آرمانها، اولویتها، مصلحت‌ها و چشم‌اندازهای سامانه را تعیین می‌کند و به محض احساس خطر و مشاهده قرائن و شواهد تهدید به مدیریت اوضاع می‌پردازد.
۳. استفاده از نفوذ معنوی: رهبری در بسیاری از موارد با استفاده از نفوذ معنوی، مشروعیت و کارآمدی خویش به تحکیم ارزشهای اسلامی و ترویج سبک زندگی اسلامی یاری رسانده‌اند.
۴. کارکردگرایی با تأکید بر لزوم آگاهی‌بخشی، دینداری، تکلیف‌مداری و کارآمدی
۵. استفاده از شئون و اختیارات ولایی: رهبری در زمینه خطیر چالشها و بحرانهای نظام و جامعه از اختیارات ویژه ولایی خویش استفاده می‌کند.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی و توصیفی است که در نگارش آن از روش اسنادی، تحلیل محتوای بیانات و مراجعه به نخبگان استفاده شده است. در این تحقیق از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در این نوع نمونه‌گیری پژوهشگر سعی می‌کند که افراد را چنان انتخاب کند تا هدف تحقیق، تحقق یابد (بازرگان، ۱۳۸۷: ۵۵). پس از تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری،

مؤلفه‌ها و دسته‌بندی‌هایی از تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری در مورد راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی به‌دست آمد و نتایج در قالب جدولهای استخراجی به‌نخبگان این حوزه ارائه شد و موافقت آنان با شاخصها و میزان اهمیت آنها به‌دست آمد که در جدول شماره ۳ در بخش نتیجه‌گیری آورده شده است.

با تحلیل محتوای بیانات رهبری به‌صورت تمام‌شمار از بیانات ایشان شامل تمام اسناد، مدارک مکتوب و صوتی سخنرانی ایشان و محتوای بیانات در پایگاه‌های www.leader.ir و www.Khamenei.ir از آغاز ولایت ایشان یعنی از ۱۵ خرداد ۱۳۶۸ تا کنون نتایج ذیل به‌دست آمده است. واحد تحلیل در این بخش هر جمله و بندی است که با موضوع مرتبط است.

اهداف نفوذ	شیوه‌های نفوذ	ابزارهای نفوذ	نتایج نفوذ
نفوذ در دانشگاه و فضای مجازی (۸۵/۷/۲۵) و تغییر مرجعیت فکری (۹۴/۹/۴)	تعامل (بیانات در ۱۹۶۷/۵/۱۲)	رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی (۹۴/۶/۱۸)	تهی‌سازی هویت انقلاب اسلامی با ترویج سکولاریسم (۸۷/۹/۲۴)
گمراهی نخبگان (۹۱/۶/۲)	ایجاد تردید در ارزشها و باورهای داخلی: استحاله از درون (۹۳/۱/۱۰)	تبادلات دانشجویی و علمی (۹۴/۷/۲۲)	تغییر ذهنیت و ایجاد تردید در برخی از خواص و نخبگان نسبت به ضرورت استمرار دشمنی با نظام سلطه (۶۹۰/۲۶)
ایجاد ناامنی و هرج و مرج (۸۰/۸/۱۲)	القای فضای یأس و ناامیدی: سلب فرهنگ خودباوری	تفرقه افکنی (۹۴/۱۰/۸)	تغییر باورها به‌موازات تغییرات نسلی (۹۴/۶/۲۵)
القای ناکارآمدی دین (۸۷/۱۱/۲۸)	تغییر سبک زندگی اسلامی (۶۸/۹/۲) و ۱۳۹۴/۲/۱۴	بزرگ‌کردن چهره شیطان (۹۴/۶/۱۸)	تردید در ادبیات و گفتمان انقلاب و نیروهای انقلابی (۷۴/۶/۲۰)
گمراه‌کردن مردم (۹۵/۱۰/۱۰)	سلیقه‌یابی و فرهنگ‌سازی (۹۱/۷/۲۳)	هدایت مجموعه‌های فرهنگی (۹۴/۶/۴)	تحمیل اشتباه محاسباتی بر مردم و مسئولان (۹۴/۱۲/۲۰)
		ایدئولوژی‌زدایی از سیاست و دیپلماسی (۹۴/۶/۲۵)	اشتباه روانی جامعه در ترسیم ناکارآمدی نظام اسلامی و عقب‌نشینی از آرمان استکبارستیزی (۱۳۸۴/۲/۱۲)
		القای عبور از انقلاب، لازمه پیوستن به جامعه جهانی (۹۴/۶/۲۵)	

بیانات بسیاری از مقام معظم رهبری در زمینه نفوذ فرهنگی وجود دارد که خلاصه‌ای از آنها با عنوان راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی، استخراج، و در قالب شاخصها با ذکر تاریخ، دسته‌بندی و در جدول ۲ آورده شده است:

نشانی	متن فرمایشات مقام معظم رهبری	راهکار	مؤلفه
۱۳۸۸/۹/۱۵ و ۹۶/۴/۲	مسئله این است که دشمن را بشناسیم؛ ترفند دشمن را بفهمیم؛ بدانیم که چه داریم می‌گوییم و دشمن چگونه ممکن است از هر کلمه ما استفاده بکند و جری بشود؛ تشویق بشود؛ روحیه پیدا کند و راه‌ها را برای دخالت خود، نفوذ خود، باز کند... لازمه پاسداری از انقلاب، شناخت نقاط ضعف معرفتی و عملی دشمن و توجیه افرادی است که هنوز شناخت صحیح از دشمن ندارند.	شناخت مناسب از دشمن	راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی
۷۷/۱۱/۱۳	دشمن بر اثر تجربه فهمیده که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند هر انسانی قابل فاسدشدن است؛ هرکس باشد، می‌توان فاسدش کرد. البته راست می‌گویند با یک استثنا "الا المتقین". متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها این را یعنی معنای تقوی را دیگر نمی‌فهمند.	تعمیق مبانی فکری و اعتقادی	
۸۷/۲/۱۲	باید برگردیم به نقشه اسلامی - ایرانی؛ این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم. خوب، این مسیر پیشرفت است. الگوگرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی.	تدوین نقشه پیشرفت ایرانی - اسلامی	
	همبستگی و اتحادتان را حفظ کنید. دشمن، اتحاد مردم را هدف گرفته است. دشمن، ساده‌لوحانه به نفوذهای و مزدوران خود در میان مردم دل‌بسته؛ این یک خیال خام و واهی است. امروز امریکایی‌ها هدفهای خود را آشکار بیان می‌کنند؛ این هم یکی از نکتهای خدا برای مستکبران است. می‌گویند ما در ایران به کسانی که به اهداف امریکایی‌ها کمک کنند، کمک مالی می‌کنیم. اینها ملت ما را نشناخته‌اند؛ لذا صریحاً سخن از این می‌گویند که ما می‌خواهیم در داخل ایران با پول، معارض و - به قول خودشان - اپوزیسیون درست کنیم.	همبستگی و مشارکت عمومی	
۱۳۸۷/۲/۱۴	جوان ما وقتی بنیه فکری و اعتقادی محکم بود، او هم می‌فهمد که دیگر نباید دنبال جوان ما بیاید. این استحکام بنیه اعتقادی با همین توجه‌ها با همین تضرع، توسل به پروردگار در همین دعاهای صحیفه سجاده به دست می‌آید.	بازدارندگی اعتقادی	
۹۱/۷/۲۳	سلیقه‌یابی می‌کنند؛ فرهنگ‌سازی می‌کنند؛ بعد از آنکه سلیقه‌ها را عوض کردند، ذائقه‌ها را عوض کردند، آن وقت اگر احتیاج به زر و زور بود، دلارها را وارد می‌کنند؛ نیروهای نظامی و ژنرالها را وارد می‌کنند. این، شیوه حرکت غربیهاست؛ باید مراقب بود. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه با تمدن غرب است به‌صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد.	احساس مسئولیت برای ایجاد تمدن نوین اسلامی	

نشانی	متن فرمایشات مقام معظم رهبری	راهکار	مؤلفه
۹۲/۹/۱۹	به این پرسش مهم و اساسی پاسخ دهیم که اصولاً برای توفیق در فعالیتهای فرهنگی به چه لوازمی نیاز داریم. از چه موانعی باید بگذریم. و باید مراقب چه پرتگاههایی باشیم؟	شناخت لوازم و موانع فعالیتهای فرهنگی در کشور	
۸۸۷/۲	امروز به گمان من هدف و آماج دشمن خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند، چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. یکی از وظایف اصلی امروز من و شما همین است. ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد کنیم.	تقویت بصیرت خواص	
۹۴/۶/۱۸	لازمه حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی، "تمرکز در تصمیم‌گیری"، "جدیت در اجرا بدون از دست‌دادن زمان"، "هماهنگی میان دستگاه‌ها" و "پرهیز از موازی‌سازی و تعارض" است.	حضور فعال در فضای مجازی	
۷۱/۵/۱۷	هنوز خیلی کارها در این کشور در زمینه فرهنگی وجود دارد که باید انجام گیرد. منظورم این است که در محیط‌های فرهنگی به نیروهای مؤمن تکیه شود.	بهره‌گیری از روش و ابزار فرهنگی و هنری	

نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از طرح چارچوب نظری، مؤلفه‌ها و دسته‌بندی‌هایی از تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری در مورد راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی به‌دست آمد و نتایج در قالب جدول‌های استخراجی به‌نخبگان این حوزه ارائه شد و موافقت آنان با شاخصها و میزان اهمیت آنها به‌دست آمد که نتیجه کلی پرسشنامه‌ها در جدول ۳ ارائه شده است. در زمینه موافقت یا عدم موافقت با شاخصها، دو شاخص همبستگی و مشارکت عمومی و بازدارندگی اعتقادی حذف شد. توضیحات در مورد موضوع همبستگی و مشارکت عمومی به اولویت‌داشتن این شاخص در موضوعات دیگر و در مورد بازدارندگی اعتقادی به دلیل امکان ادغام و یکی‌شدن آنها با شاخص تعمیق مبانی فکری و اعتقادی و جمع‌شدن در یک شاخص بود.

میانگین	شاخص	ردیف	مؤلفه
۴,۵	تعمیق مبانی فکری و با‌دارندگی اعتقادی	۱	راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی
۴,۳	شناخت مناسب از دشمن	۲	
۴,۳	حضور فعال در فضای مجازی	۳	
۴,۲	تقویت فرهنگ ملی و تدوین نقشه پیشرفت ایرانی - اسلامی	۴	
۴,۲	احساس مسئولیت برای ایجاد تمدن نوین اسلامی	۵	
۴,۲	شناخت لوازم و موانع فعالیت‌های فرهنگی در کشور	۶	
۴	تقویت بصیرت خواص	۷	

در راستای این راهکارها، فعال‌سازی و به‌کارگیری دیپلماسی عمومی برای مقابله با نفوذ و تسلط فرهنگی - اجتماعی غرب، اولویت‌بخشی برای فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی به نفع فرهنگ مقاومت و استقلال در نسل جوان، شناخت پیامدهای تغییر ذائقه‌ها و سلیق فرهنگی و اجتماعی و تبیین منطقی آن برای مسئولان و نخبگان مرتبط، تقویت بنیه معرفتی و آموزه‌های مکتبی بر پایه استقلال و پرهیز از سلطه بیگانه، حرکت جهادی (مدیریت فرهنگی)، تقویت کار فرهنگی، ترویج فرهنگی کشور بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی، بصیرت‌افزایی و شناخت جامع ابعاد نفوذ بویژه عناصر فرهنگی، حضور فعال در فضای مجازی، بهره‌گیری از روش و ابزارهای فرهنگی و هنری احیای فرهنگ ناب محمدی(ص) می‌تواند به ایمنی‌سازی فرهنگی در ایران اسلامی یاری رساند.

منابع

- بازرگان، عباس (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: انتشارات دیدار.
- شفیعی، احمد و دیگران (۱۳۹۵)، نقش ولایت و رهبری در ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی رهبری امام خامنه‌ای)، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۹، ش ۳۰.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۲)، زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۶)، مدیریت عمومی، چ سی و یکم، تهران: نشر نی.
- آقا بخشی، علی اکبر و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶)، فرهنگ علوم سیاسی، چ دوم، ویرایش ششم، تهران: چاپار.
- پانوف، میشل و میشل پرون (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه علی‌اصغر عسگر خانقاه، چ اول، تهران: انتشارات ویس.
- حکیم آرا، محمدعلی (۱۳۸۴)، ارتباطات متقاعدگرایانه و تبلیغ، چ اول، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی نجم، حسین (۱۳۹۴)، جنگ شناختی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- عیوضی و دیگران (۱۳۹۱)، جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۱، ش ۴.
- عیوضی، محمدرحیم و پارسا، مونا (۱۳۹۲)، الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، س سوم، ش نهم.
- کریمی، علی (۱۳۹۵)، مفهوم‌شناسی نظری نفوذ، چ اول، تهران: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی، معاونت پژوهش و نشر.
- لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی توسعه، چ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

